

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ویژگی های مشترک یاران امام حسین ع

آقای جبارزاده

از ویژگی های مشترک نهضت عاشورا و انقلاب مهدوی وجود یاران با صفات مشترک است که به مصداق آیه ( و منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر ) (1) عاشورائیان وظیفه الهی حمایت از امام و دین را به خوبی به پایان رساندند و الگو و سرمشق همیشگی برای جهان اسلام بلکه برای تمامی آزادی خواهان عالم گردیدند از روایات چنین بر می آید که یاران مهدی عجل دارای همان روحیات و ویژگیهای یاوران سیدالشهداء هستند زیرا آنان کسانی هستند که به راه و هدف خود که همانا دفاع و بذل جان و مال در راه امام و دین می باشد ایمان کامل دارند و هر دو گروه هدفشان از قیام و جهاد صرفا کسب رضای خدا و انجام وظیفه الهی و دینی است در روایات و زیارت نامه ی شهدای کربلا همان ویژگیها را می یابیم که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) برای یاران امام زمان عجل بازگو کرده اند این ویژگی ها آنچنان به هم نزدیک هستند که باهم حالتی یگانه و درهم تنیده پیدا کرده اند امام حسین ع در روایتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل میکند می فرماید: (...فمن نصره نصرنی و نصر ولده الحجه) (2) هر کس امام حسین ع را یاری کند مرا و فرزندش مهدی عجل را یاری کرده است با توجه به این روایت که یاران و همراهان امام حسین ع را یاران حضرت حجت بیان می کند و روایاتی مانند (القائم منا اذا قام طلب بئار الحسین ع ) (3) حضرت مهدی عجل وقتی قیام کند از قاتلان امام حسین ع انتقام می گیرد یا روایاتی که یاران مهدی عجل را در حالی که پرچم (( یالثارات الحسین ع )) را برافراشته اند توصیف میکند حضرت حجت و قیام او را انتقام خون سیدالشهدا میداند می توان استفاده کرد اصحاب حجت نیز جزء یاوران و تمام کنندگان قیام و نهضت امام حسین هستند چه شباهتی از این بالاتر که حقیقت هر دو جبهه یکی است هر که در اول این جبهه با امام حسین ع بوده در حقیقت یار حضرت حجت است و هر کس در آخر این جبهه با حضرت حجت بوده در واقع با امام حسین ع در کربلا عضو یک سپاه است و این غیر از آرزو و تمنا است که فرمودند هر کس آرزو کند کاش در کربلا بود تا امام حسین ع را یاری کند ثواب همراهی حضرت را دارد. برای روشن شدن بهتر بحث باز کر برخی از صفات مشترک این اوراق را متبرک می کنیم.

## 1- بینش و بصیرت:

بصیرت از ماده بصر بمعنی قوه بینائی و چشم است بصیرت به معنی بینائی دل است، راغب می گوید بدرک قلب بصیرت و بصر گویند (4) این معنی مرادف معرفت و درک است (5) طبرسی در آیه (ادعوا الی الله علی بصیره انا...) (6) آنرا معرفت و بینائی دل فرموده است. (7)

بصیرت قوه ی قلبی است که شخص با آن حقائق و باطن اشیاء را می بیند و هر کس تزکیه ی نفس داشته باشد خداوند قلب او را از تعلقات دنیوی پاک می سازد و از ظلمت ها رهایش می کند و معرفت را در قلب او جاری می سازد و فراست در او ظاهر و آشکار می گردد بر این اساس بصیرت روشن بینی، اندیشمندی، ودانائی حکیمانه است که همچون چراغی پرنور حتی در شب تاریک نیز جلوی شخص صاحب بصیرت را روشن می کند و راه کمال و انسانیت را برای وی نمایان می سازد و مانع از سقوط او در جهالت و گمراهی می گردد. این باور آنقدر باصلابت و استوار است که مرارت ها و مصیبت ها در آن خللی ایجاد نمی کند و بلاها و امتحانات آرامشش را به تلاطم نمی افکند و شبهات و سوالات در آن رخنه ای ایجاد نمی کند.

با وجود این ویژگی است که یاران امام حسین در میان همه فتنه ها و گمراهی ها راه خود را به درستی پیدا کرده و بدون هیچ شک و شبهه ای تا پای جان در این راه استقامت کردند و باز به خاطر بصیرت است که در میان فتنه های آخرالزمان عده معدودی هم غم خود را یاری امام زمان عج قرار داده اند و چشم از ذخارف دنیا شسته و با او بیعت می کنند که تنها برای پیش برد اهداف والای او در خدمتش باشند.

امام سجاد درباره عموی بزرگوارشان فرمودند (کان عمنا العباس نافذ البصیره) (8) عموی ما عباس تیزبین و روشن ضمیر بود همین بصیرت او بود که حتی در شب عاشورا که آخرین شب اصحاب امام حسین ع بود و همگان به عبادت مشغول بودند او دفاع از حرم آل الله را وظیفه خود می دانست و به آن مشغول بود و نقل می کنند که (نافع بن هلال) در شب عاشورا پس از سخنان امام حسین بر خاست و گفت (انا علی نیاتنا و بصائرنا) (9) همانا ما بر انگیزه ها و بینش های خویش پایداریم. آری تا بدان جا پایدار بودند که نقل می کنند در روز عاشورا تا یک نفر از اصحاب امام زنده بود به اقوام و فرزندان امام اجازه جنگیدن نمی داد.

حضرت علی ع: فهم الذین و حدّ و الله حق توحیده؛ آنان به وحدانیت خدا آنچنان که حق وحدانیت اوست اعتقاد دارند در بیانی دیگر توحید باوری را از شاخصه‌های آنان معرفی می‌کند به گونه‌ای که هیچ شرکی در وجود آنان نیست بلکه از بت نفس خود و بت طاغوت‌های زمان رهیده‌اند. و در آزمایش بزرگ غیبت که عده زیادی گمراه می‌شوند معدود افرادی که یاران حضرت نیز در همین گروه قرار دارند باقی می‌ماند و این بصیرت و بیشتر درست است که اینان را از گمراهی حفظ کرده و در مسیر پایدار نگه می‌دارد حضرت علی ع در این بصیرت را چنین توصیف می‌کند: چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمشیرها را در راه حق آخته و بصیرتی را که در کار دینی داشتند آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند.<sup>۱</sup>

## 2. عبادت و شب زنده داری:

عبادت: تذلل با تقدیس، اطاعت. (12)

راغب در مفردات گوید: عبودیت اظهار تذلل و عبادت، غایت تذلل است و از عبودیت ابلغ می‌باشد. (13) معنی جامع این کلمه همان تذلل و اطاعت است

درباره خداوند دو جور عبادت داریم:

یکی اطاعت از فرامین او و اینکه در زندگی روزمره راجع به حلال و حرام و غیره از دستورات خداوند و دین او پیروی کنیم این عبادت به معنی اطاعت و فرمانبرداری است. و دیگری تذلل است توأم با تقدیس یعنی بنده، نهایت خضوع و ذلت را در برابر حق اظهار می‌دارد و در عین حال او را از تمام نقایص پاک و به تمام کمالات متصف می‌دارد.

از گزارشات ایامی که یاران امام حسین در کربلا بودند بخشی از آنها عبادت و شب زنده داری اصحاب امام حسین ع می‌باشد بطوری که امام صادق ع فرمودند: (وبات الحسین ع واصحابه تلک الیله ولهم دوی کدوی النحل مابین راکع وساجد وقائم وقائد) (14) حسین ع و یارانش شب عاشورا را بازمرمه نماز و نیایش و تضرع و در حال رکوع و سجود ایستاده و نشسته به صبح رساندند و زمزمه ای چونان زمزمه کندوی زنبور عسل داشتند

همین جریان را امام صادق ع درباره یاران امام زمان عج بیان می‌کنند آنجا که می‌فرمایند: (رجال لاینامون اللیل لهم دوی فی صلواتهم کدوی النحل ییتون قیاما علی اطرافهم ویسبحون علی خیولهم) (15)

<sup>۱</sup>. ره توشه راهیان نور، شماره 57، ص 139.

مردان شب زنده داری که زمزمه نمازشان مانند زنبوران کندو به گوش می‌رسد شبها را با زنده داری سپری میکنند و بر فراز اسبها خدا را تسبیح می‌گویند.

### 3- ولایت مداری:

ولایت به کسر واو، به معنی نصرت و به فتح واو به معنی تولی است و به قولی هردو یکی است و حقیقتش تولی امر است و لایه از ماده ولی بمعنی نزدیکی و قرب است راغب گوید و لاء تولی آن است که دو چیز چنان باشند که میانشان چیز دیگری نباشد و به طور استعاره به نزدیکی و لاء وتوالی گویند خواه در مکان باشد یا صداقت یا نصرت یا اعتقاد (16)

ولی: سرپرست و اداره کننده امر و نیز بمعنی دوست و یاری کننده و غیره آید  
طبرسی در ذیل آیه (الله ولی الذین آمنوا) فرموده ولی از (ولی) است بمعنی نزدیکی بدون فاصله و او کسی است که به تدبیر امور از دیگری احق و سزاوارتر است (17)

به همین جهت وقتی قصه ی کربلا را مورد مطالعه قرار می‌دهیم آنچه از همه بیشتر جلب توجه می‌کند همین ولایت مداری و همین محور بودن امام است تا جائی که وقتی امام سجاد ع از خیمه امام حسین ع در شب نقل می‌کند که چون امام حسین ع فرمودند: «هذا الليل فاتخذوه جملا، فان القوم انما يريدونني ولو قتلوني لم يلتفتوا اليكم وانتم في حل وسعه. فقالوا لا والله لا يكون هذا ابدا. قال: انكم تقتلون غدا كذا لك، لا يفلت منكم رجل. قالوا: الحمد لله الذي شرفنا بالقتل معك» (18) امام سجاد ع می‌فرماید: در آن شبی که فردایش، پدرم به شهادت رسید، به اصحاب خود فرمود: اکنون شب است آن را مرکب راهوار خود کنید این قوم، آهنگ مرا دارند و چنانکه مرا بکشند به شما توجهی نمی‌کنند و شما آزادید عرض کردند نه، به خدا سوگند این نشدنی است فرمود فردا شما همچو من کشته خواهید شد و کسی نجات پیدا نمی‌کند عرض کردند سپاس خدا را که به ما، شرافت شهادت در رکاب شما را عطا کند.

یاران حضرت مهدی نیز همانند یاران امام حسین، امام زمان خود را می‌شناسند و به او اعتقاد راسخ دارند اعتقادی که در ژرفای وجودشان ریشه دوانده و سراسر جانشان را فرا گرفته است این معرفت شناخت شناسنامه‌ای، دانستن نام و نشان او، دانستن اسم پدر و مادر و محل تولد او نیست بلکه معرفت به حق ولایت است همان گونه که درباره یاران عاشورائی حسین گفته شد حضرت علی در وصف یاران امام زمان، اطاعت آنها را از امام خود به نحو کامل می‌ستاید و می‌فرماید ((هم اطوع له من الامة

لسیدها... یحفون به یقونه بانفسهم ویکفونه ما یرید) (19) اطاعت آنان از امام، از اطاعت کنیز در برابر مولایش بیشتر است... او را در میان می گیرند و در جنگ ها با جان خویش از او حفاظت می کنند و هر چه را اراده کند از جان و دل انجام می دهند

#### 4- شجاعت:

شجاعت از مهم ترین مولفه های قیام است بطوری که هیچ قیامی بدون شجاعت رهبر و یارانش جاودانه نمی شود این شاخصه از مشترکات قیام عاشورا و قیام حضرت حجت می باشد

وقتی در شب عاشورا حضرت زینب به امام حسین ع عرض می کند: آیا شما نیات یارانتان را امتحان کرده اید؟ امام در پاسخ جملاتی می فرمایند که بیانگر شجاعت یارانش می باشد فرمودند به خدا سوگند اینها را امتحان کرده ام پس آنها را مردانی یافتم که سینه سپر کرده اند، به گونه ای که به مرگ زیر چشمی می نگرند و به مرگ در راه من چنان شیر خواره به سینه مادرش انس دارند. (20)

از جمله شجاعان کربلا عابس است او شیر مردی است که وارد میدان شد و مردانه گفت: الا رجل، الا رجل؟ آیا مردی نیست؟ آیا مردی نیست که به مصاف من بیاید؟ کسی را یارای پاسخ گفتنش نبود عمر سعد گفت او را محاصره کرده و سنگ بارانش کنید او وقتی چنین دید، زره از تن بیرون آورد و کلاه خود را نیز از سر گرفت و به سوی آنان پرتاب کرد و در همین حال مردانه جنگید تا به شهادت رسید این نمونه کوچکی از دلاوری شجاعان کربلاست در باره شجاعت یاران حضرت مهدی روایات فراوانی داریم

حضرت علی شجاعتشان را چنین توصیف می کند (کلهم لیوث قد خرجوا من غاباتهم لو انهم هموا بازاله الجبال لازالوها عن مواضعها) (21) همه شیرانی اند که از بیشه خارج شده اند و اگر اراده کنند کوهها را از جا می کنند

#### کتابنامه:

1. احزاب آیه 23
2. معالی السبطين ج 1 ص 219
3. مفردات الفاظ قرآن راغب ص 127
4. قاموس قرآن ج 1 ص 195
5. یوسف آیه 108

6. مجمع البيان لعلوم القرآن ج 5 ص 520
7. خصال صدوق ص 68
8. لهوف سيد بن طاوس ص ع 9
9. يوم الخلاص ص 224
10. منتخب الاثر ص 244
11. قاموس قرآن ج 2 ص 279
12. مفردات راغب ص 542
13. بحار الانوار ج 44 ص 294
14. بحار الانوار ج 52 ص 308
15. مفردات راغب ص 885
16. مجمع البيان ج 2 ص 207
17. فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام ص 247
18. ملاحم و الفتن سيد بن طاووس ص 52
19. مقتل الحسين ص 265
20. يوم الخلاص ص 224